

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی با مبارزات زنان در سراسر جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن



زنان مبارز و زحمتکش ایران!

مرکزی و جنوبی، همچنان، از بسیاری حقوق اولیه خود محروم هستند. در جوامع عقب مانده سرمایه داری، مانند کشور ما، دیرگاهی است که زنان پیشرو و آگاه برای درهم کوبیدن واپسگرایی اجتماعی و تبعیضات جنسی به مبارزه برخاسته اند و صفحات پرشوری را در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه کشور ما رقم زده اند. از نخستین راه پیمایی زنان ایرانی برای بزرگداشت روز زن در ۸ مارس سال ۱۳۰۱ تا شرکت فعال زنان در جنبش برای ملی شدن صنعت نفت و سپس جبهه های نبرد انقلاب بهمن ۵۷، زنان ما همواره بخش مهم و جدا ناشدنی از مبارزات ضد استبدادی و آزادیخواهانه کشور ما بوده و هستند. با روی کار آمدن حکومت واپسگرا و قرون وسطایی «ولایت فقیه»، شرایط هولناک و طاقت فرسایی ادامه در ص ۲

هشتاد و چهارمین سالگرد روز جهانی زن، روز همبستگی رزمی با مبارزات زنان سراسر جهان در راه دستیابی به حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان فرا می رسد. چهره جهان ما از روزی که زنان پیشرو در سراسر جهان گام در راه مبارزه برای تحقق خواست هایشان گذاردند، بسیار دگرگون گردیده است. از مبارزه برای گرفتن حق رای تا مبارزه برای دریافت حقوق برابر و از بین بردن تبعیضات جنسی در جامعه طبقاتی، راه دراز و دشواری پیموده شده است. ولی علی رغم دستاوردهای چشمگیری که زنان کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان در طول چند دهه اخیر بدست آورده اند، اکثریت قابل توجه زنان بویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای

درود آتشین به خاطره تابناک افسران دلیر توده ای: افضلی و یاران

"... و این ایمان را چشمداستی نیست

نه به سکه زر و نه به غرفه رضوان

نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی

و این ایمانی است چون بنفشه های محبوب

که به خاطر خرسندی خلق

در پای تندیس تکامل نهاده می شود."

ص ۳

احسان طبری

در دیگر صفحات:

کمیساریای عالی امور پناهندگان و بلژیک،

ص ۷ رژیم «فقها» را افشا می کند

بیانیه مشترک حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب

ص ۸ کمونیست فدراسیون روسیه

ص ۷ نگرانی سازمان ملل از اقدامات جاسوسی رژیم

بحرانی که ارکان رژیم را می لرزاند

بحران اقتصادی - سیاسی که سرپای حکومت جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. هنوز مرکب لایحه بودجه سال ۷۳، ارایه شده از سوی دولت رفسنجانی، خشک نشده است که با سقوط آزاد نرخ برابری ریال در برابر ارز های خارجی (۲۵۰ تومان برای هر دلار)، و سقوط قیمت نفت، تمامی ارقام ارایه شده و پیش بینی های اقتصادی دولت مانند حبابی در هوا ترکید که نگرانی های زیادی را در میان سران رژیم ایجاد کرده است. تهدید بسیاری از واحدهای تولیدی بزرگ به بسته شدن و عدم توانایی دولت در تامین نیازهای ارزی واحدهای تولیدی داخلی در مجموع اقتصاد کشور را فلج کرده است و با رشد شدید قیمت ها در هفته های اخیر فشار بر زندگی اکثریت عظیم جامعه ما دوچندان شده است. رفسنجانی در سخنانی که به مناسبت روز ۲۲ بهمن ایراد کرد ضمن اعتراف ضمنی به مشکلات جدی که دولت با آن دست بگریبان است تلاش کرد تا "قدرت های خارجی" را مقصر شرایط کنونی معرفی نماید. وی در این سخنان از جمله گفت: "قدرت های استکباری... امروز سعی می کنند ما را در محاصره اقتصادی قرار دهند و به روی صنایع اقتصاد ما فشار بیاورند آنها با پایین آوردن بهای نفت به قیمت ضربه زدن به دوستان خودشان می خواهند ما را در فشار قرار بدهند. ولی درخواهند یافت که این راه نیز بی نتیجه خواهد بود...". کمتر کسی را می توان یافت که این سخنان رفسنجانی را چیزی جز هوجبی بازی تبلیغاتی و عوام فریبی تلقی کند. اکثر کارشناسان اقتصادی کشور و حتی بخش هایی از حاکمیت نیز مترفند که دلایل عمده بحران کنونی، سیاست های اقتصادی دولت در سال های اخیر بوده است. اگر بخواهیم سیاست اقتصادی دولت جمهوری اسلامی را در سال های اخیر خلاصه وار بیان کنیم، می توان آن را در حراج نفت، ورود کالا های مصرفی به مقصد تامین سوده های کلان برای تجار بزرگ و استقراض به منظور تامین هزینه ورود این کالاها خلاصه کرد. حتی سالنامه آماری کشور، که توسط جمهوری اسلامی انتشار می یابد نیز نمی تواند حقایق بالا را پرده پوشی کند. بر اساس آمار منتشره در ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

اعلامیه کمیته مرکزی ...

برای زنان کشور ما پدید آمد. تحمیل عقاید عقب مانده و فوق العاده ارتجاعی سردمداران حاکم، زنان کشور ما را از بسیاری حقوق که طی دهه ها مبارزه بدست آورده بودند، محروم کرد. زنان به مثابه شهروندان درجه دوم حتی از بسیاری حقوق اولیه و انسانی مانند انتخاب همسر، حق کار، حق تحصیل، حق مسافرت و ... بدون اجازه "ولی مرد" در خانواده محروم گردیدند. پایین آوردن سن ازدواج، رواج و اشاعه ازدواج "موقت"، سلب حق طلاق و بسیاری حقوق زنان در رابطه با فرزندان، و از بین بردن دادگاه های مدنی در دفاع از حقوق زنان در کنار تحمیل "حجاب" به مثابه یک پدیده قرون وسطایی و اجرای خشن و ددمنشانه آن در جامعه، از طریق ارباب، شلاق، شکنجه و زندان تصویر گویایی از شرایط زندگی زنان کشور ما در حکومت "فتها" است.

در سالی که گذشت گزگمان و چاقو کشان موتور سوار رژیم بارها به زنان کشور ما یورش بردند، و در مقاطع مختلف به بهانه های مسخره "تهی از منکر"، "مبارزه با بد حجابی"، "مبارزه با تهاجم فرهنگی" و غیره شرایط طاقت فرسایی را برای میلیون ها خانواده ایرانی ایجاد کردند. فعالین جنبش و آنان که در راه بیداری زنان کشورمان مبارزه می کردند، طی سال های گذشته همواره زیر پیگرد مأموران امنیتی رژیم قرار داشته اند، زندانی، شکنجه و یا اعدام گردیده اند. گزارش های تکان دهنده نمایندگان سازمان ملل متحد و زندانیانی که در زندان های رژیم به سر برده اند، پیرامون اوضاع دهشتناک زندان های جمهوری اسلامی از به اسارت کشیدن زنان حامله، نوزادان و فرزندان خردسال زنان مبارز که شیوه رایج دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم بوده است، در نوع خود در جهان کم نظیر است. تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی، فقر و محرومیت شدید، بخش دیگر از ستم مضاعفی است که بر زنان جامعه ما روا می شود. تورم افسار گسیخته، و گرانی طاقت فرسا، در کنار کمبود و یا نبود امکانات درمانی و بهداشتی، سطح پایین درآمدها و کسندن بیش از ۴۶٪ از شهروندان کشور به زیر خط فقر، که اکثریت آنان را زنان و خردسالان تشکیل می دهند، در کنار رواج بی سابقه اعتیاد، فحشا و خودکشی در میان زنان، خصوصاً زنان جوان از جمله پیامدهای سیاست هایی است که رژیم جمهوری اسلامی به جامعه ما تحمیل کرده است.

پانزده سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، اکثریت عمده زنان نه تنها به

خواست های اولیه شان دست نیافته اند، بلکه ناراضی از شرایط تحمیل شده، هرچه بیشتر به عرصه مبارزه با استبداد کشیده می شوند. مبارزه زنان میهنمان در کنار سایر اقشار زحمتکش جامعه، بی شک بخش عمده و جداناپذیر مبارزه در راه پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" در جامعه ماست. کوشش برای سازماندهی این مبارزه و پیوند زدن آن با خواست های صنفی - سیاسی زحمتکشان در مقابله با سیاست های ضد مردمی و ضد ملی رژیم از جمله عرصه های مهمی است که نیروهای مترقی و آزادیخواه کشورمان و خصوصاً اعضا و هواداران حزب ما باید به آن توجه ویژه مبذول دارند. رژیم با درک اهمیت نقش زنان در این مبارزه سرنوشت ساز همواره تلاش کرده است تا با سازماندهی یورش های موسمی به زنان جلو رشد و شکل گیری مبارزه زنان در جامعه را سد کند، زنان ایرانی در طول بیش از هفت دهه مبارزه پیگیر نشان داده اند، که هیچ نیرویی قادر نخواهد بود تا سد راه نبرد آنان برای دستیابی به حقوق حقه شان گردد. ما اطمینان داریم که مبارزه زنان کشورمان در کنار سایر زحمتکشان برای دستیابی به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق طبیعی آنان دیر یا زود به پیروزی خواهد رسید. حزب توده ایران در تمامی طول تاریخ پنجاه و دوساله اش، همواره در راه حقوق زنان ایران رزمیده است و زنان توده ای نقش ویژه و برجسته ای در سازماندهی، بیداری و آگاهی زنان ایرانی ایفا نموده اند. از تشکیل نخستین سازمان زنان تا مبارزه دلاورانه در شکنجه گاه های مخوف رژیم های استبدادی زنان توده ای صفحات درخشان و فراموش ناشدنی در تاریخ مبارزات زنان میهنمان به ثبت رسانده اند. حزب ما وفادار و متعهد به این سنن پراختار همواره در کنار مبارزه زنان میهنمان بوده و خواهد بود. کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تبریک روز هشتم مارس به تمامی زنان کشورمان، برای همه مبارزان و مدافعان حقوق زنان در رزم مقدس و دشواری که پیش رو دارند آرزوی موفقیت و پیروزی می کند. مبارزه متحد و سازمان یافته ما تنها کلید پیروزی در مقابله با رژیمی است که به هیچ ارزش انسانی بها نمی دهد و آماده است برای حفظ خود به هر جنایتی دست بزند.

درد پرشور به مبارزات زنان ایران علیه استبداد، ظلم و بیدمالتی!

درد پر شور به زندانیان سیاسی زن!

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی با مبارزات زنان در سراسر جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفندماه ۱۳۷۲

بحرانی که ارکان ...

این سالنامه موازنه منفی واردات و صادرات کشور طی سالهای ۶۸، ۶۹ و ۷۰ به ترتیب ۸ میلیارد، ۱۱ میلیارد و ۱۸ میلیارد تومان بوده است. (سالنامه آماری کشور - ۱۳۷۱، منتشره در سال ۱۳۷۲). این کسری در سال ۷۱ و ۷۲ نیز همچنان افزایش چشمگیری یافته است. هم اکنون بدهی های خارجی ایران رقمی بیش از ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود و کارشناسان اقتصادی بر اساس ارزیابی شرایط کنونی معتقدند که این رقم می تواند تا ۵۰ میلیارد دلار افزایش یابد. عرصه کلیدی دیگر سیاست اقتصادی دولت در دو سال اخیر شناور کردن نرخ برابری ریال در مقابل ارز های خارجی زیر فشار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است. بر اساس اجرای این سیاست ارزش ریال در ماه های اخیر به میزان ۴۵٪ کاهش یافته است، نرخ تورم از ۲۸٪ به ۷۰٪ افزایش یافته و در صورت ادامه این روند می تواند تا سال دیگر از مرز ۱۸۰٪ نیز عبور کند. بحران اقتصادی به ناراضیاتی شدید اجتماعی و تمیق بحران سیاسی درون رژیم منجر گردیده و گوشه و کنار کشور عرصه درگیری های روزانه مردم عاصی و جان به لب رسیده با مزدوران رژیم است. اعتراضات های وسیع مردم بلوچستان که با سرکوب خونین و وحشیانه نیروهای امنیتی رژیم مواجه گردید، در کنار مصاحبه های گوناگونی که مقامات امنیتی، از جمله

حملات سخت مدیر مزول صدا و سیما به گروه حجتیه در پاسخ به گزارش کمیسیون مجلس و رئیس آن پرورش که از چهره های سرشناس گروه حجتیه می باشد، و انتشار آن از رادیو و تلویزیون نقش تعیین کننده را در برکناری وی ایفا کرده است.

کوتاه سخن ابهام بحران کنونی ارکان رژیم "فتها" را بشدت می لرزاند. کمتر دورانی را می توان یافت که شرایط عینی جامعه چنین آماده تحول و گام های سرنوشت ساز بعدی باشد. آنچه که کمبود آن از علل عمده ادامه حکومت جمهوری اسلامی است، نبود یک مرکز واحد برای سازماندهی این مبارزات اعتراضی و پراکنده توده ها و ارتقا آن به یک مبارزه همه جانبه برای پایان دادن به استبداد و ظلم در کشور ماست. حزب ما به نوبه خود برنامه خویش را برای ایجاد چنین ستاد مشترک و جبهه وسیع ائتلافی اعلام کرده است. "منشور آزادی" که در آذر ماه سال جاری توسط کمیته مرکزی حزب ما انتشار یافت می تواند راهگشای شکستن بن بست کنونی باشد. روی سخن ما عمدتاً با نیروهایی است که در درون کشور به مبارزه خود علی رغم دشواری های فراوان ادامه می دهند. می توان و می بایست هرچه زودتر یک ائتلاف واقعی و وسیع را از نیروهای هوادار آزادی ایجاد کرد و دیکتاتوری حاکم را به عقب نشینی وادار نمود. نباید اجازه داد تا بار دیگر رژیم با استفاده از حربه تفرقه و با اتکا به سرکوب و خونریزی به حیات خود ادامه دهد و کشور ما همچنان گرفتار فقر، عقب ماندگی، ظلم و بیدمالتی باشد.

وزیر اطلاعات در پی حادثه مشکوک "تیراندازی" به رفسنجانی پیرامون توطئه "فد انقلاب" و ضرورت مقابله همه جانبه با آن به عمل آوردند، همگی نشانگر آماده شدن رژیم برای مقابله با رشد اعتراضات وسیع توده ای است. انتصاب بشارتی، وزیر کشور به عنوان "جانشین فرمانده کل قوا"، اعلام استفاده از نیروی ۲۵۰ هزار نفری بسیج در شهرها و برگزاری مانورهای امنیتی در تهران و شهرهای دیگر بخشی از اقدام های پیشگیرانه رژیم برای حفظ کنترل اوضاع و سرکوب هرگونه جنبش توده ای است.

با تشدید بحران در جامعه بدیهی است که بحران سیاسی رژیم نیز گسترش یافته و زده خوردها در درون و پیرامون حاکمیت شدت یابد. برکناری مدیر عامل صدا و سیما که توسط کمیسیون رسیدگی مجلس بخاطر اعمال سیاست های "غیر اسلامی" و "لیبرالی" بشدت انتقاد شده بود و جانشین کردن وی با علی لاریجانی، کسیکه اتفاقاً بجای وزیر "مستعفی" ارشاد (خاقانی، آنها هم به جرم اعمال سیاست های "لیبرالی") گماشته شده نشانگر فشارهای هرچه بیشتر جناح حجتیه برای کنترل ارکان های حساس و کلیدی جمهوری اسلامی است. برکناری برادر رفسنجانی از صدا و سیما و درپی آن اعلام انحلال "شورای سیاست گذاری صدا و سیما"، که از خواست های کمیسیون بررسی مجلس بود، به نظر اکثر مفسران خارجی، لطمه مهمی به پرستیژ رفسنجانی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی است. به نظر اکثر این مفسران

درد آتشین به خاطره تابناک

افسران دلیر توده ای: افضلای و یاران

" در این میان آنچه را که انگیزه اصلی برای پیوستن من به سازمان حزب توده ایران می توانم عرض کنم این است که من در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود فساد و ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم. در تحلیل هایی که برای خود داشتم، برای فایق آمدن بر مشکلات مملکت و پیش بردن جامعه به سوی عدل و قسط لزوم وجود یک حزب چپ را ضرور می دانستم، تا بتوانیم با شعارهای مردمی حزب به راه حل مشکلات دست یابیم و خدماتی را به مردم ارائه دهیم."

رفیق افضلای در بی دادگاه رژیم

همچون پتکی بر سر ارتجاع فرود آمد و گرمابخش قلب های آزادیخواهان و میهن دوستان گردید.

"من اکنون با نه نفر دیگر شاد و خندانیم و آواز خوان به طرف شهادت در راه آزادی می روم".

رفیق شهید شاهرخ جهانگیری "این را بدانید که باز اگر زنده می ماندم در راه مردم قدم می گذاشتم".

رفیق شهید فرزاد جهاد

" پدر و مادر عزیزم، کسانی که رنج و عذاب شما مرا به راه محرومین کشانید ... امیدوارم که عید را با خوشحالی در غیاب من با شکوه هرچه تمامتر برگزار نمایید ... درود به حزب توده ایران، مرگ بر امپریالیسم آمریکا، زنده باد انقلاب مردم محروم ایران".

رفیق شهید حسن آذر فر

و در پایان کلام، رفیق شهید جهانگیری می نویسد:

درد عشقی کشیده ام که مپرس
زهر هجری چشیده ام که مپرس
همچو حافظ غریب در ره عشق
به مقامی رسیده ام که مپرس

چنین است راه و روش فرزندان راستین خلق. ستارگان تابناک جنبش آزادیبخش کشور ما، گل های سرخ و پژمرده ناشدنی که با ایثار جان خود نهال آزادی را در زمستان سرد و سخت حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی و ددمنش آبیاری کردند و راه را برای پیروزی فردا، برای بر آمدن آفتاب و چیرگی انسان و انسانیت بر جهل و جنایت گشودند. به قول بالزاک: "از تمام بذریهائی که بر زمین افشاندند می شود خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را ببار می آورد".

ترین افسران نیروهای نظامی ایران به بند دژخیمان اسیر شدند، و اثرات این ضربه بر پیکر نیروهای نظامی بعدها در شکست های متعدد ایران در مقابل نیروهای عراقی بوضوح به نمایش گذارده شد. افسران دلوری مانند سرهنگ بیژن کبیری "فاتح خرمشهر" و سرهنگ هوشنگ عطاریان از جمله فرماندهان و افسران برجسته ای بودند، که در میان نیروهای نظامی به شجاعت، دلوری و در عین حال انسانیت شهره و محبوب عام بودند. سستی که دهه ها قبل توسط، سیامک ها، روزبه ها، انوشه ها و سایر افسران دلور و میهن دوست توده ای در میان ارتش ایران پایه ریزی شده بود، با خون نسل بعدی افسران توده ای آبیاری گردید و بذریهائی که این قهرمانان در صفوف نیروهای مسلح کشور ما کاشتند، بی شک، به کشتزاری پر حاصل بدل خواهد شد که طومار ارتجاع و استبداد را در میهن ما در هم خواهد نوردید. رژیم جنایتکار "قنها" به عبث تلاش کرد تا با ترتیب دادن "شوهائی" تلویزیونی و "بیدادگاه های فرمایشی" نام این افسران دلور را در میان صفوف نیروهای مسلح خدشه دار سازد، پخش وسیع وصیت نامه های جسورانه و قهرمانانه این رفقا در پادگان ها نقشه های رژیم را خنثی کرد و نام این فرزندان خلق را جاودانه ساخت. سخنان پرشور این رفقا در لحظاتی که دژخیمان آنان را به سمت جوخه های اعدام می بردند، از حصارهای سرد و سیاه زندان های قرون وسطایی رژیم عبور کرد و قلب هزاران انسان، روزبه ها، سیامک ها، افضلای ها، کبیری ها، و افرادی های آینده را به جوش و خروش آورد و بدین سان پرچمداران تازه ای گام در راه قهرمانان به خون خفته خلق نهادند. از فرای شکنجه گاههای ترسناک رژیم پیام رفقای شهید ما

"... و این ایمان را چشمداشتی نیست

نه به سکه زر و نه به غرفه رضوان

نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی

و این ایمانی است چون بنفشه های محبوب

که به خاطر خرسندی خلق

در پای تندیس تکامل نهاده می شود".

احسان طبری

ده سال پیش در سحرگاه خونین ششم اسفند ماه ۱۳۶۲، دژخیمان رژیم جهل و جنایت، ۱۰ نفر از افسران و فرزندان رشید خلق، قهرمانان جبهه های دفاع از خاک میهن، مبارزان خستگی ناپذیر آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، رفقا بهرام افضلای، هوشنگ عطاریان، بیژن کبیری، غلامرضا خاضعی، فرزاد جهاد، شاهرخ جهانگیری، خسرو لطفی، حسن آذر فر، محمد بهرامی نژاد و ابوالفضل بهرامی نژاد را در شکنجه گاه اوین به جوخه های مرگ سپردند. رژیم با عاریت گرفتن شیوه های دادگاههای سلطنتی که، مبشری ها، انوشه ها، روزبه ها و کیوان ها را به جوخه های مرگ سپرده بود، و با طرح ادعاهای دروغین "جاسوسی"، و "براندازی" که حتی یک برگ سند برای اثبات آن در دادگاههای فرمایشی ارایه نکردید، تلاش کرد تا خیانت آشکار خود را به اهداف بزرگ انقلاب مردم میهن ما پنهان نماید و با قربانی کردن افسران و میهن پرستان دلور توده ای، راه را برای حکومت بی چون و چرای سرمایه و استبداد بکشد. این رفقا در این بیدادگاه های "اسلامی" علی رغم فشارها و شکنجه های وحشیانه تا سرحد امکان از افکار و عقاید خود و حقانیت حزب توده ایران دفاع کردند و جنایتکارانی مانند ری شهری، رئیس دادگاه، اتابکی، دادستان و سایر سران رژیم را بیش از پیش رسوا نمودند. رفیق افضلای در دادگاه در دفاع از حقانیت حزب توده ایران از جمله گفت: "در این میان آنچه را که انگیزه اصلی برای پیوستن من به سازمان حزب توده ایران می توانم عرض کنم این است که من در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود فساد و ظلم، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس کردم. در تحلیل هایی که برای خود داشتم، برای فایق آمدن بر مشکلات مملکت و پیش بردن جامعه به سوی عدل و قسط لزوم وجود یک حزب چپ را ضرور می دانستم، تا بتوانیم با شعارهای مردمی حزب به راه حل مشکلات دست یابیم و خدماتی را به مردم ارائه دهیم".

با یورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران بخشی از کاراترین و میهن دوست

توطئه علیه خلق بلوچ

بدنبال اعتراضات وسیع مردم در زاهدان و برخی دیگر از شهرهای بلوچستان، مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی از توافقات گسترده امنیتی بین دولت های ایران و پاکستان خبر دادند. براساس این گزارشات، در پایان اولین اجلاس «کمیسیون ویژه امنیتی» دو کشور تفاهم نامه ای به امضای معاونین وزرای کشور ایران و پاکستان رسید، که به موجب آن طرفین در زمینه های «همکاری و هماهنگی بین نیروهای امنیتی دو کشور... در نوار مرزی...» و «تهیه و ارسال اطلاعات مورد نیاز در رابطه با فعالیت های قاچاقچیان در نوار مرزی... اشخاص تحت تعقیب...» به همکاری با یکدیگر خواهند پرداخت.

در این رابطه قرار شد «طرف ایرانی اسناد و مدارک مورد نیاز را براساس مفاد قرارداد استرداد مجرمین میان دو کشور، در کلیه موارد معوقه... به مقامات پاکستانی تسلیم کند تا نسبت به استرداد مجرمین از سوی طرف پاکستانی اقدام شود».

یک روز قبل از اعلام توافقات های امنیتی ایران و پاکستان، خبرگزاری جمهوری اسلامی اطلاع داد در پی سفر فرمانده نیروی دریایی ایران به پاکستان، دو کشور در زمینه انجام یک مانور دریایی مشترک به توافق رسیده اند.

همچنین وزیر کشور، علی محمدبشارتی که اخیرا به عنوان «جانشین فرمانده کل قوا» در نیروهای انتظامی دارای اختیارات وسیعی در اداره این نیروها شده است، اعلام کرد «برای مقابله با قاچاقچیان... بخش هایی در مناطق مرزی با پاکستان و افغانستان» مین گذاری شده است.

۵ / ۱ میلیارد دلار فساد مالی

کشف شده طی شش ماه

روزنامه عرب زبان «الشرق الاوسط» گزارش داد در جمهوری اسلامی طی شش ماه آخر سال ۹۳، «مجموعا ۱۰۶ مورد فساد مالی کشف شده که اختلاس مالی بیشتر از ۱/۵ میلیارد دلار در ۱۳ وزارتخانه، ۹ بانک دولتی، دو شرکت بیمه دولتی و ۷ دانشگاه و مرکز تحقیقاتی از آن جمله است». این گزارش می افزاید موارد فساد به سازمان هایی که «روحانیون ظاهرا برای امور خیریه تاسیس کرده اند» نیز کشیده شده است.

«الشرق الاوسط» همچنین نوشت: «کشف این موارد به دستگیری ۸۰ نفر از جمله ۲۲ مقام ارشد بانکی منجر شده است. در مورد یک بانک تقریبا کلیه مقامات ارشد آن به زندان افتاده اند».



۴ میلیارد دلار

کسری درآمد دولت در سال ۷۲

حسن روحانی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «جمهوری اسلامی در سال جاری بر اثر کاهش نرخ فروش نفت ۴ میلیارد دلار کسری درآمد داشته است». وی افزود: «ایران در طول برنامه پنج ساله اول برائرت نوسانات نرخ دلار برابر سایر ارزها، ۶/۴ میلیارد دلار ضرر داشته است».

رقم بدهی ها جزو بودجه نیست

ظاهرا لایحه بودجه سال ۱۳۷۲ توسط دولت رفسنجانی و سپس مجلس، به نحوی تنظیم شده که فاقد کسری بودجه بوده و همانند بودجه سال جاری ارقام درآمدها و هزینه های آن متعادل می باشد. ولی «دم خروس» کسری عظیم و بی سابقه بودجه در سال آینده از هم اکنون هویداست، زیرا براساس آنچه که در مذاکرات مجلس پیرامون بودجه مشخص گردید، رقم بدهی های خارجی جزو ارقام بودجه آورده نشده است. در صورتیکه میزان آن بخش از بدهی ها که بایستی تا پایان سال ۷۲ پرداخت شود، بیش از ۱/۵ برابر درآمد پیش بینی شده حاصل از درآمد نفت در سال آینده می باشد.

کاهش سوئسیدها

و افزایش قیمت ها

هنگام بحث پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۷۲ کشور، که پس از «اصلاح» در جهت «حمایت از مستضعفان» توسط «کمیسیون مشترک برنامه و بودجه و امور اقتصادی و دارایی» به مجلس ارایه شده بود، سخنان نمایندگان مخالف پرده از روی برخی واقعیات

برداشت که ما عینا به نقل آنها می پردازیم:

* سید محسن یحیوی، نماینده تهران: «کمیسیون مشترک ۲۰۰ میلیون دلار سوئسید کالاهای اساسی را افزایش داده ولی این سوئسید نسبت به سال گذشته ۳۰٪ کمتر است».

* علی تقی خاموشی، نماینده تهران و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع ایران: «ما فقط در هزینه های جاری ۵۰٪ رشد داریم که رقم تکان دهنده ای است. اگر قرار است تعدیل اقتصادی طوری باشد که هرچه نرخ شناور دلار بالا می رود از این طرف ریال تزریق کنیم و خاصیت بالا رفتن و گران شدن خدمات را بگیریم فایده ندارد... متاسفانه این بودجه حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد تورم در بر دارد».

* نیک فر، نماینده اقلید: «در دو تبصره بودجه سال جاری در مجموع چیزی حدود ۵۰ میلیارد تومان به مناطق محروم اعتبار می داد که الان در بودجه سال ۷۳ این مبلغ به ۱۵ میلیارد تومان تقلیل یافته است».

* محسن کوه کن، نماینده لنجان: «در سال ۷۱ حدود ۵۸٪ از بودجه مربوط به امور اجتماعی شامل آموزش عالی، بهداشت و درمان و... هزینه شد، ولی در سال ۷۲ به ۴۱٪ کاهش پیدا کرد. این میزان در سال ۷۳ در بودجه پیشنهادی به ۳۶٪ تقلیل یافت... در مقابل افزایش هزینه های متفرقه وجود دارد، در سال ۷۱ حدود ۶٪، سال ۷۲ حدود ۱۱٪ و در سال ۷۳ حدود ۱۲٪...».

سرمایه گذاری

شرکتهای آمریکایی در ایران

«سازمان عمران کرمان» فهرست طرح های پیشنهادی شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در «منطقه آزاد تجاری سیرجان» را منتشر کرد. در این فهرست اسامی شش شرکت خارجی، از جمله سه شرکت آمریکایی اعلام شده است.

تسهیلات فراوانی که جمهوری اسلامی برای سرمایه گذاری خارجی در مناطق آزاد تجاری از قبیل استفاده از نیروی کار ارزان، خروج بدون مانع صد درصد سود و سرمایه توسط شرکت های خارجی و... قایل شده است را براحتی می توان در طرح های پیشنهادی ذکر شده مشاهده نمود. از جمله شرکت آمریکایی پخش صادرات ریز کامپیوتر به نام «بی.بی.ورهایس» آمادگی خود را برای مونتاز این نوع کامپیوتر در سیرجان اعلام کرده است. در این پیشنهاد اعلام شده است دوسوم تولیدات این واحد توسط شرکت آمریکایی به اروپای شرقی صادر خواهد شد.

سودان

دولت سودان تهدید کرد که اگر سازمان ملل متحد گزارش ویژه خود را که حاوی محکومیت سنگسار کردن و قطع اعضا بدن به عنوان مجازات های غیر انسانی است، تغییر ندهد، همکاری خود را با آن سازمان قطع خواهد کرد.

حسین سلیمان ابوصالح، وزیر خارجه، در پیامی به پطروس غالی، دبیر کل سازمان ملل، خواستار حذف بخش هایی از گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد سودان گردید.

گاسپار بیرو، نماینده ویژه سازمان ملل در گزارش خود به اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر، با تکیه به یافته های خود در طول دو بازدید از سودان در ماه های سپتامبر و دسامبر ۱۹۹۲، دولت اسلامی سودان را به نقض وسیع حقوق بشر متهم کرده است. بیرو در گزارش ۴۲ صفحه ای خود فاش می کند که حکومت اسلامی ژنرال عمر بشیر در تلاش برای سرکوب جنبش دموکراتیک کشور و نیز خاموش کردن آتش مبارزه استقلال طلبانه در جنوب سودان با توسل به قوانین اسلامی جو سرکوب بی سابقه ای را در سودان به وجود آورده است. در گزارش هم چنین آمده است که نمایندگان دولت و مقامات رسمی در قبال «نقض وسیع و بی رحمانه حقوق بشر» مسئولیت دارند.

مقامات رسمی سودان اظهار داشته اند که بیرو در گزارش به سازمان ملل مجازات های قصاص اسلامی را بی رحمانه و غیر انسانی دانسته است. ابوصالح معتقد است که گاسپار بیرو آگاهانه به مسلمانان سودان و جهان توهین کرده است و حق مردم را در انتخاب سیستم های سیاسی و حقوقی دخواستار محترم نشمرده است.

یمن

رهبران سیاسی کشور در پی کوشش برای حفظ وحدت یمن و جلوگیری از جنگ داخلی در این کشور با وساطت رهبران برجسته جهان عرب در روز اول اسفند قرارداد صلحی به امضا رساندند.

علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن و رهبر حزب کنگره عمومی خلق یمن، و علی سالم البیض، معاون رئیس جمهوری و رهبر حزب سوسیالیست یمن، قرارداد آشتی را در مراسمی با حضور بیش از ۳۰۰ سیاستمدار یمنی و رهبران قبایل امضا نمودند. یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و دبیر کل جامعه عرب، عصمت عبدالقیدی نیز در مراسم امضا قرارداد حضور داشتند. قرارداد آشتی شرایط انجام یک سری اصلاحات نظامی، اقتصادی، اداری و سیاسی را با هدف خاتمه دادن به بحران شدیدی که حیات سیاسی و اجتماعی یمن را در دوره بعد از اتحاد یمن جنوبی و یمن شمالی در سال ۱۹۹۰ در برگرفته است، فراهم می نماید.

بوسنی - هرزگوین

مخالفت روسیه با مداخله نظامی پیمان تجاوزگر ناتو علیه نیروهای صرب در بوسنی، که در صریح ترین اعلام مواضع علنی در جریان ملاقات نخست وزیر انگلیس، جان میجر، با پلتسین و آندره کوزیروف، وزیر خارجه روسیه در مسکو صورت



پذیرفت، برنامه ناتو را با مشکل روبرو کرده است. مخالفت افکار عمومی روسیه با اقدام تهدید آمیز ناتو، دولت پلتسین را مجبور به چنین موضعگیری ای نموده است.

صاحب نظران سیاسی معتقدند که رهبران ناتو به خاطر توجیه علت وجودی این پیمان تجاوزگر، مسلح کردن آن به انواع تسلیحات پیشرفته و ادامه سیاست تحمیل «نظم نوین جهانی» بطور فزاینده ای نیازمند عملکرد نظامی نیروهای مسلح ناتو در بوسنی می باشند. انفجار مشکوک یک خمپاره در بازار سارایوو، پایتخت بوسنی و کشتار حدود ۷۰ نفر مردم بیگناه بهانه لازم را به سران ناتو داده است. نیروهای صلح طلب جهان با نگرانی تحولات شبه جزیره بالکان و قلمرو یوگسلاوی سابق را دنبال می کنند. موضع به غایت ارجحی دبیر کل سازمان ملل در دعوت از پیمان ناتو به اقدام نظامی در بوسنی علیه صرب ها، محافل سیاسی را خشمگین کرده است. ماهون، نماینده پارلمان انگلیس از حزب کارگر و از حامیان کمیته صلح در بالکان گفت که اقدامات نظامی تهاجمی ققط ادامه تحویل کمک های انسانی به قربانیان درگیری را مورد تهدید قرار خواهد داد. او گفت که باید از سازمان ملل خواسته شود که در تطابق با مفاد منشور خود «کوشش های خود را برای جستجوی یک راه حل مسالمت آمیز و نیز فراهم آوردن کمک برای قربانیان جنگ متمرکز کند». یونان که در حال حاضر ریاست اتحادیه اروپا را به عهده دارد نیز ناخشنودی خود را از تهدیدات ناتو آشکار کرده است و سعی در جلوگیری از خطر حملات هوایی از طرف ناتو دارد.

آلمان

اتحادیه های کارگری آلمان مبارزه برای جلوگیری از تحمیل عوارض رکود اقتصادی بر دوش خود را تشدید کرده اند. رهبران اتحادیه های کارگری اعلام داشته اند که حقوق کارگران باید حداقل هم طراز با تورم افزایش یابد. اتحادیه فلزکاران و مهندسين خواستار اضافه حقوق ۵/۵ تا ۶ درصدی برای ۳/۴ میلیون کارگران صنعتی عضو خود شده است.

اتحادیه کارمندان بخش عمومی خواستار ۴ درصد اضافه حقوق برای ۲/۶ میلیون کارکنان این بخش می باشد. اتحادیه های کارگری خواستار کاهش ساعات کار هفتگی جهت ایجاد اشتغال بیشتر برای بیکاران شده اند. در مقابل کارفرمایان مصراة خواستارند که حقوق کارگران و کارمندان تنبیری نکنند و برای غلبه بر رکود

اقتصادی، شیوه های تشدید استثمار بکار گرفته شود و تعداد کارگران واحدهای صنعتی تقلیل یابد.

در ۱۹۹۲ تعداد ۶۰۰,۰۰۰ نفر به بیکاران آلمان اضافه شد و به رقم بی سابقه ۳/۷ میلیون رسید. اعلام اینکه در بهمن ماه تعداد بیکاران از مرز ۴ میلیون گذشته است، جامعه آلمان را که تا اواخر آذر ماه ۷۳ انتظار چنین تعداد بیکاران را نداشت، نگران کرده است. تعداد بیکاران آلمان غربی ۲/۷۴ میلیون و یا ۸/۸ درصد نیروی کار است که افزایشی در حدود ۲۲۰,۰۰۰ در ماه را نشان می دهد. این رقم در دوران بعد از جنگ دوم جهانی بی سابقه بوده است. میزان بیکاری رسمی در بخش شرقی آلمان ۱/۲۹ میلیون نفر است. ارقام رسمی شامل ۲ میلیون نفری که در طرح های ایجاد کار، کارهای نیمه وقت، و یا بازنشستگی زودتر از موعد قرار می گیرند، نمی شود. میزان غیر رسمی بیکاری در شرق آلمان بیش از ۲۵ درصد است.

ایتالیا

همزمان با اوجگیری کارزار انتخاباتی در رابطه با انتخابات پارلمانی که در روز ۷ فروردین صورت خواهد گرفت، تغییر و تحولات عمیقی احزاب سیاسی ایتالیا را فرا گرفته است.

رسوایی احزاب راست دموکرات مسیحی و سوسیالیست در جریان رشوه گیری از مافیا و نیز شکست نیروهای راست و نتوفاشیست در انتخابات شهرداری ها که چندی قبل صورت گرفت، جبهه راست را به نوعی تعویض چهره واداشته است. بخش عمده حزب دموکرات مسیحی که از جنگ جهانی دوم به این طرف حکومت را در ایتالیا در دست داشته است، اکنون به «حزب مردمی» تبدیل شده است. این حزب هرگونه همکاری با چپ و مخصوصا «حزب چپ دموکراتیک» (پ. د. اس.) را غیر محتمل می داند. بخش دیگر حزب دموکرات مسیحی به دو حزب «دموکرات مسیحی میانه» و نیز «میشاق ایتالیا» تبدیل شده است. سرمایه دار بزرگ معروف ایتالیا، سیلیو برلوسکونی، که کنترل عمده ترین بخش وسایل ارتباط جمعی را در دست دارد و در انتخابات اخیر از نتوفاشیست ها حمایت کرده بود، گروه بندی سیاسی «فورزا ایتالیا» را بوجود آورده است.

از سوی دیگر در جبهه چپ، یک ائتلاف ۸ حزبی برای پیروزی در انتخابات ۷ فروردین ماه سازمان یافته است. احزاب شرکت کننده در ائتلاف چپ عبارتند از، حزب چپ دموکراتیک، حزب احیای کمونیستی، سبزها، شبکه ضد مافیا، حزب سوسیالیست نوسازی شده، سوسیال مسیحی، رنسانس سوسیالیستی و ائتلاف دموکراتیک. برنامه اقتصادی ائتلاف چپ شامل دفاع از سیستم خدمات عمومی و تامین اجتماعی و محدود کردن پروسه واگذاری صنایع و خدمات به بخش خصوصی می باشد. در برنامه آمده است که خصوصی کردن ققط در آن بخش هایی که «ضروری» است، انجام خواهد گرفت.

کنگره دوم حزب احیای کمونیستی در ماه گذشته انجام شد. این حزب که به مارکسیسم-لنینیسم وفادار است و سنت های تاریخی حزب کمونیست ایتالیا را ادامه می دهد، ۱۲۱,۰۰۰ عضو دارد و ۶ تا ۷ درصد افکار عمومی از آن حمایت می کنند.

بهبانهای تازه دولت رفسنجانی برای

پایین نگاه داشتن حداقل سطح دستمزد کارگران

ماندن دستمزدها و یا حتی اخراج و بیکاری کارگران نیست، بلکه این وظیفه دست اندرکاران اقتصادی کشور است که در مقابل تصمیمات خود احساس مسئولیت کنند و از طریق سیاست های صحیح اقتصادی، سرمایه ها و نقدینگی را از بخش های انگلی خارج و به بخش تولید «گسیل» دارند.

مشابه همین پاسخ در رابطه با بهانه «پایین بودن بازده نیروی کار» از سوی «امام جمعه اصفهان» به مسئولان اقتصادی کشور داده شده است. وی که در نماز جمعه هفتم آبان راجع به مشکلات کارگران کارخانجات نساجی اصفهان صحبت می کرد، در رابطه با موج ورشکستگی واحدهای تولیدی داخلی گفت: «امروز اگر مرزهای کشور بر روی واردات بی رویه کالاهای خارجی باز نبود، مردم مجبور بودند همان را که در داخل تولید می شود مصرف کنند» و کار به اینجا نمی رسید که «انبارهای کارخانجات ما پر از جنس باشد و فروخته نشود». وی در پاسخ به مسئولانی که مشکلات تولیدات داخلی را ناشی از پایین بودن بازده نیروی کار کشور می دانند گفت: «اگر ماشین آلات کارخانجات ما عمر مفیدشان به پایان نرسیده بود، کارگران ما از کارگران خارجی عقب نبودند».

این گفته امام جمعه اصفهان، که ظاهراً در مقایسه با مسئولان اقتصادی رژیم از درک اقتصادی بسیار علمی تری برخوردار است، بیش از هر چیز نقاب از چهره کسانی بر می دارد که امروز می کوشند بار مسئولیت مشکلات اقتصادی کشور را از دوش سرمایه داران سوداگر بخش خصوصی، که به دنبال سودهای کلان و کوتاه مدت، به عرصه دلالی و واسطگی و فعالیت های انگلی روی آورده اند، بردارند و بر شانه های خسته و در هم کوفته کارگران و زحمتکشان ایران، که در زیر سنگین ترین فشارهای اقتصادی برای بقای خود و خانواده شان مبارزه می کنند بگذارند. اما این ترفند نیز، همانند ترفند گذشته مسئولان رژیم برای تضعیف قانون کار، راه به جایی نخواهد برد و با مبارزه گسترده کارگران و زحمتکشان میهن، عقیم خواهد ماند. کارگران کشور ما به ویژه در چند سال اخیر، به شکلی فزاینده ماهیت ضد کارگری و ضد مردمی رژیم را شناخته اند و توانایی خود را در خنثی کردن توطئه های کسانی که تحت نام «دفاع از مستضعفان»، به عامل اجرای سیاست های سرمایه بین المللی در ایران بدل شده اند به اثبات رسانده اند. دور نیست روزی که کارگران و زحمتکشان ایران یکبار برای همیشه حساب خود را با رژیم پشت کرده به انقلاب تسویه کنند و راه را، همانطور که در انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ عمل کردند، برای رهایی مردم میهن از چنگال رژیم «ولایت فقیه» بکشایند.

رشد داشته اند. و این در حالی است که آمارهای بانک مرکزی همواره نرخ تورم را بسیار کمتر از میزان واقعی آن اعلام کرده اند و همه کالاهای مورد نیاز کارگران را در سبد اقتصادی آنان قرار نداده اند.

امروز کمتر کسی از این مسئله بی اطلاع است که در سال های اخیر، به ویژه در طول یک سال گذشته، سیاست آزادکردن نرخ ارز و «تعدیل نیروی انسانی» که به فرموده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به کارگران و زحمتکشان میهن ما تحمیل شده است، همان قدرت خرید محدود زحمتکشان و خانواده آنان را نیز به نابودی کامل کشانده و آنان را با بحران های جدی روبرو ساخته است.

در چنین شرایطی است که می بینیم، علی رغم فقر و محرومیت عظیمی که تورم، بیکاری و سطح پایین دستمزدها به ویژه در طول یک سال گذشته برای کارگران میهن ما به وجود آورده است، امسال نیز شوراییالی کار دولت رفسنجانی به بهانه های گوناگون، از جمله «کمبود نقدینگی» واحدهای تولیدی و «پایین بودن بازده نیروی کار» در کارخانه ها و کارگاههای تولیدی، سعی در طفره رفتن از افزایش مناسب سطح دستمزدها دارد، طفره رفتنی که جدا از همه توجیهاتش، بر اساس قانون کار کشور، عملی غیرقانونی است.

در مورد دلیل اول، یعنی «کمبود نقدینگی» در واحدهای تولیدی، سردمداران دولت رفسنجانی مدعی اند که بالا بردن حداقل دستمزدها در شرایط «کمبود نقدینگی»، واحدهای تولیدی را به ورشکستگی خواهد کشاند و تولید را بیش از پیش مختل خواهد کرد. در پاسخ به این ادعای بی پایه، به تحلیل مندرج در سرمقاله نشریه «کار و کارگر» (۲۵ دی) رجوع می کنیم. نویسنده سرمقاله مذکور در مورد مسئله «کمبود نقدینگی» به درستی می نویسد: «مشکل کمبود نقدینگی ناشی از اجرای سیاست تک نرخ نمودن ارز، افزایش نرخ ارز، وابستگی ارزی، تکنولوژیکی کارخانجات و صنعت کشور و ... کمابیش در گذشته نیز وجود داشته و اوجگیری آن هم به دلیل بعضی سیاست های پولی و مالی و بازرگانی اتخاذ شده از سوی مسئولین اقتصادی کشور بوده» است. به گفته نویسنده مذکور، ما در ایران نه با کمبود نقدینگی، بلکه با تمرکز شدید نقدینگی در «بخش های دلالی و واسطه گری و خدمات»، که از «درآمد کاذب» و «زود بازده بودن سود» برخوردارند مواجهیم و بنابراین «راه حل مشکلات عنوان شده نیز ثابت

در هفته های اخیر، موج تازه ای از اعتراضات کارگری، این بار در رابطه با مسئله تعیین حداقل دستمزد، سراسر کشور را فرا گرفته است. کارگران کشور، که به تازگی تلاش های سازمان برنامه و دولت رفسنجانی را برای تضعیف قانون کار با قاطعیت عقیم گذاشتند، بار دیگر خود را برای یک کارزار تحمیل شده تازه از سوی مجریان برنامه های بانک جهانی در ایران آماده می کنند.

قانون کار جمهوری اسلامی دولت را موظف می کند که از طریق «شوراییالی کار»، هر سال میزان حداقل دستمزد کارگران کشور را با توجه به نرخ تورم سالانه، تعیین کند. بر اساس ماده ۴۰ این قانون:

«شوراییالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل دستمزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای زیر تعیین نماید.

۱- حداقل دستمزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی تعیین می شود.

۲- حداقل دستمزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد که زندگی یک خانواده پنج نفری را تامین نماید.

۳- کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی، به هیچ کارگری کمتر از حداقل دستمزد تعیین شده جدید پرداخت نمایند...».

از متن این ماده به خوبی روشن است که قانون کار هرگونه پیش شرط گذاری، حتی در حد رجوع به «مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار» را نیز در تعیین حداقل دستمزد آنان مردود شناخته و «تامین زندگی یک خانواده ۵ نفری» را تنها ملاک تعیین حداقل دستمزد کارگران شناخته است. با این وجود، از سال ۱۳۵۸ تا کنون، رژیم به بهانه های گوناگون از جمله به بهانه جنگ، از افزایش حداقل دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم طفره رفته است، تا جایی که امروز، به قول سرمقاله نشریه «کار و کارگر» (۲۵ دی ۱۳۷۲)، «شاهد شکاف عظیمی بین هزینه و درآمد کارگران هستیم» به طوری که «این وضعیت موجب شده است که دستمزد کارگران ... نتواند حداقل معیشت آن ها را نیز تامین کند». طبق گزارش همین نشریه، در حالی که شاخص قیمت ها طی ده سال گذشته ۶۰۰ درصد افزایش داشته، دستمزدها در این فاصله تنها ۳۰۰ درصد، یعنی نصف نرخ رسمی تورم،

نگرانی سازمان ملل از اقدامات جاسوسی رژیم جمهوری اسلامی

بازگشت برخی از هموطنان مهاجر به ایران به هر دلیلی، مورد بهره برداری سازمان های امنیتی و اطلاعاتی رژیم قرار گرفته است. جمهوری اسلامی هدف های نامشروع خود را درباره این قربانیان بطور رذیلاانه ای اعمال می دارد. سفارت خانه های رژیم، فرم هایی را در اختیار آنان قرار می دهند که حاوی پرسش هایی گوناگون در مورد سازمان ها و افراد فعال اپوزیسیون می باشد. در ایران دقت ریاست جمهوری به بازجویی های کامل تری از آنان می پردازد و در بسیاری از موارد ضمن گرفتن تعهد همکاری، مجوز خروج مجدد آنان از ایران را صادر می نماید.

در پی سفر وزیر اطلاعات رژیم به آلمان ما سند معتبری را در شماره ۴۱۳ «نامه مردم» در این مورد انتشار دادیم و به نیروهای سیاسی مخالف رژیم هشدار دادیم که توطئه های ترور شخصیت های مخالف و شیوه های تهدید و ارعاب نیروهای اپوزیسیون در خارج از ایران، همچنان از سوی عوامل جمهوری اسلامی ادامه دارد و رژیم در برابر هیچ مرجع بین المللی خود را مسئول احساس نمی کند. همین امروز سند دیگری را در این زمینه در اختیار داریم که با انتشار آن می توان یکبار دیگر به ماهیت ریاکارانه رژیم و هدف های نامشروع آن در تشویق دروغین هموطنان به بازگشت به میهن پی برد؛ کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل در بروکسل طی نامه ای در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۹۴ به عنوان امور اتباع بیگانه وزارت دادگستری، ضمن ارایه اسناد مستدل اعلام می دارد که «اکثرا پناهندگانی که برای بازگشت به ایران خود را به سفارت جمهوری اسلامی معرفی نموده و پاسپورت

بازگشت برخی از هموطنان مهاجر به ایران به هر دلیلی، مورد بهره برداری سازمان های امنیتی و اطلاعاتی رژیم قرار گرفته است. جمهوری اسلامی هدف های نامشروع خود را درباره این قربانیان بطور رذیلاانه ای اعمال می دارد. سفارت خانه های رژیم، فرم هایی را در اختیار آنان قرار می دهند که حاوی پرسش هایی گوناگون در مورد سازمان ها و افراد فعال اپوزیسیون می باشد. در ایران دقت ریاست جمهوری به بازجویی های کامل تری از آنان می پردازد و در بسیاری از موارد ضمن گرفتن تعهد همکاری، مجوز خروج مجدد آنان از ایران را صادر می نماید.

در پی سفر وزیر اطلاعات رژیم به آلمان ما سند معتبری را در شماره ۴۱۳ «نامه مردم» در این مورد انتشار دادیم و به نیروهای سیاسی مخالف رژیم هشدار دادیم که توطئه های ترور شخصیت های مخالف و شیوه های تهدید و ارعاب نیروهای اپوزیسیون در خارج از ایران، همچنان از سوی عوامل جمهوری اسلامی ادامه دارد و رژیم در برابر هیچ مرجع بین المللی خود را مسئول احساس نمی کند. همین امروز سند دیگری را در این زمینه در اختیار داریم که با انتشار آن می توان یکبار دیگر به ماهیت ریاکارانه رژیم و هدف های نامشروع آن در تشویق دروغین هموطنان به بازگشت به میهن پی برد؛ کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل در بروکسل طی نامه ای در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۹۴ به عنوان امور اتباع بیگانه وزارت دادگستری، ضمن ارایه اسناد مستدل اعلام می دارد که «اکثرا پناهندگانی که برای بازگشت به ایران خود را به سفارت جمهوری اسلامی معرفی نموده و پاسپورت

سردمداران جمهوری اسلامی بارها عوام فریبانه اعلام کرده اند که مانی برای بازگشت مهاجرین وجود ندارد تا آنجا که چنین دعوت شیدانه ای حتی برای برخی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون، نوعی توهم سازش با رژیم را ایجاد نمود، اما رژیم «ولایت فقیه»، بهره برداری اطلاعاتی خود از این بازگشت ها را هرگز به اطلاع مردم نرسانیده است و هدف نامشروع خود را از این مانور سیاسی آشکار نساخته است. تنها اسناد نادری که در این زمینه در اختیار نیروهای سیاسی مخالف رژیم قرار گرفته، توانسته است اهداف سوداگرانه رژیم را برملا سازد.

اعتقاد ما بر این است که بازگشت بدون قید و شرط به میهن حق طبیعی همه مهاجرین و نیروهای سیاسی مخالف رژیم است و جمهوری اسلامی نمی تواند قلدردن منشا و بسان ارتشی اشغالگر برای آن حد و حدودی تعیین نماید.

هشیاری نیروهای سیاسی و افشای ترفندهای جمهوری اسلامی در بهره برداری سوداگرانه از بازگشت مهاجرین، می تواند و باید به کارزار مشترک تمام نیروهای سیاسی مخالف رژیم تبدیل گردد.

کشور پادشاهی بلژیک

از: کمیساریای عالی امور پناهندگان و به: اداره اتباع بیگانگان حضور آقای ب - سیمون رئیس

آقای رئیس

پیرو گفتگوی تلفنی جنابعالی با یکی از همکاران اینجانب در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۹۴، بدینوسیله اطلاعات مندرج زیر را تایید می نمایم؛

سال ۱۹۸۰ بوسیله کمیساریای عالی پناهندگان وضع گردید - سیاست متکی به جنگ ایران و عراق - اکثریت پناهمجویان ایرانی تبار پناهنده رسمی شناخته شدند.

با آگاهی کامل در این مورد که اغلب آنان نه در ایران و نه در بلژیک هیچگونه فعالیت سیاسی علیه رژیم اسلامی را نداشتند و با توجه به بی طرفی پناهندگان پذیرفته شده، رژیم مربوطه نیز جهت استقرار مجدد، یا بیشتر اوقات برای بازدید خانواده و یا پیکیری در امور تجاری با بازگشت آنان به کشور اصلی خود هیچگونه اظهار مخالفتی ننموده و حتی از سال ۱۹۹۳ نیز مقامات ایرانی از این آوارگان رسماً دعوت می نمایند که به کشور خود بازگردند (پیوست ۱).

اگر چه مجموعاً در بازگشت های متعدد، حادثه ای مشاهده نشده است، ممالک باید یادآوری نمود که مقامات ایرانی مبادرت به بازداشت



درستکاری بودند لازم بود که گذرنامه خود را در قبال کارت پناهندگی به مقامات صلاحیتدار تسلیم می نمودند) پناهندگان ایرانی مقیم بلژیک که مایل به بازگشت به ایران می باشند اجباراً (ولی نه همیشه) می بایست گواهی نامه ای را که از طرف کمیساریای عالی صادر و در آن قید شده باشد که نامبرده از حقوق پناهندگی خود منصرف گردیده است، اخذ نموده و به سفارت ایران ارایه دهند. از طرفی نادر نیست که افرادی پس از بدست آوردن يك گذرنامه ادامه در ص ۸

برخی از فعالین نموده اند که خود را در جمع این گروه از مسافران ایرانی مقیم خارج جا داده بودند.

بدین ترتیب از سال گذشته مقامات ایرانی ضمن انجام معاملات سوداگرانه با این جمع از هم میهنان داوطلب بازگشت موضوع را با بهره برداری به نفع خود حل نموده اند.

در حقیقت همانطوری که اطلاع دارید، پناهمجویانی که از گذرنامه کشور خود بهره مند بوده اند، پس از بدست آوردن کارت پناهندگی از این امکان محروم می گردند (البته اگر اشخاص

نگرانی سازمان ملل ...

جدید ایرانی از سفارت به منظور متصرف شدن از انصراف پناهندگی، خود را مجدداً به کمیساریای عالی معرفی می نمایند، این چنین عمل امکانی برای آنان بوجود می آورد که در عین داشتن يك گذرنامه ایرانی دارای تیترا مسافرتی ویژه پناهندگان نیز می شوند.

در این هنگام سفارت شرایط خود را گذاشته، که ضمن صدور گذرنامه جدید ذینفع باید رسماً تمهید نموده و قبول کند که منبع با مقامات ایرانی همکاری نماید (رجوع به مدرک پیوست). این تمهید فرد یادشده را ملزم به سعایت و خبرچینی می نماید و اطلاعاتی از فعالیت های مخالفین رژیم مقیم در بلژیک و ایران را در اختیار مقامات بگذارد و سرپیچی از این الزام امکان پذیر نمی باشد.

بدون اینکه خواسته باشیم يك خطر تخیلی آرایه دهیم، به نظر می رسد که این کارزار سعایت و خبرچینی به این زودی به ثمر رسیده و بدین ترتیب اشخاصی که از پناهندگی خود متصرف شده اند برای به خطر انداختن زندگی هم میهنان خود و وابستگان آنان که در ایران مانده اند کوچک ترین تردیدی به خود راه نمی دهند.

غیرقابل انکار است که این سعایت و خبرچینی به وسیله مقامات ایرانی تشویق می شود و باید خاطر نشان کرد که این پناهندگان هنگامی اقدام به انصراف از پناهندگی خود می کنند که تقریباً اطمینان کافی دارند که کارت اقامت بلژیکی خود را حفظ خواهند کرد. هنگام مراجعه ذینفع به کمیساریای عالی جهت متصرف شدن از پناهندگی، معمولاً يك گفتگوی کوتاهی با وی به عمل می آید تا به آگاهی نامبرده رسانده شود که از طرفی مورد فشار مقامات ایرانی قرار خواهد گرفت و با توجه به همه عواقب زیان آور اجباراً به سوی همکاری با رژیم فراهخوانده و از طرف دیگر باخطر واقعی از دست دادن حق اقامت در بلژیک مواجه خواهد شد.

بسیار نگران آور است که تعداد روزافزونی از اتباع ایرانی با حفظ حقوق پناهندگی خود در بلژیک مکرر به ایران بر می گردند که نتیجه آن خطر جدی و تهدید کننده ایست برای پناهندگان ایرانی که دولت تمهید تامین امنیت آنان را داده است. بدین وسیله از شما تقاضا می کنم در این مورد بررسی بعمل آورده و برای حل این مشکلات تدبیر لازم را اتخاذ نمایید.

از شما تقاضا می نمایم آقای رئیس، احترامات فائقه مرا بپذیرید.

کمیسر مارک بوسیو

کمک مالی های رسیده:

یانوش ۱۰۰ مارک
به یار رفیق شهید اقدام دوست از بلژیک ۵۰۰ فرانک

بازگشت مشترک

سوم فوریه ۱۹۹۴ بین اعضا رهبری شورای سیاسی اتحاد احزاب کمونیست - حزب کمونیست اتحاد شوروی - و هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه دیدار و مذاکراتی انجام گرفت. اقدامات مشترک جهت تحقق مصوبات ۲۹-امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و دومین کنگره حزب کمونیست فدراسیون روسیه مورد بررسی قرار گرفت. و درباره جنبش کمونیستی در روسیه تبادل نظر به عمل آمد.

در مذاکرات به ویژه خاطر نشان شد که اتحاد احزاب کمونیست و حزب کمونیست فدراسیون روسیه عملاً در مسایل عمده و اصلی از جمله ارزیابی اوضاع کنونی در روسیه، ضرورت مبارزه علیه رژیم ضد خلقی باخطر منافع زحمتکشان، استقرار حکومت مردم، بازگشت کشور به راه پیشرفت سوسیالیستی و استقرار مجدد و داوطلبانه حکومت شوراهای، وحدت نظر دارند.

در این مذاکرات خاطر نشان گردید که کمیته اجرایی اتحاد کمونیست ها و کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه می بایست مساعی کمونیست ها و کمیته های حزبی را در مسیر ایجاد حزب واحد کمونیستی در کشور، متمرکز سازند. این امر ناشی از اراده کمونیست هاست.

ضمناً، ما هدف بازسازی حزب کمونیست واحد را، متناسب با ایجاد دوباره اتحاد خلق های برادر، از نظر دور نمی سازیم. حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۲۹ - امین کنگره خود، موقتاً، تا استقرار مجدد کشور متحد، به اتحاد احزاب کمونیست تغییر شکل سازمانی یافته است. اتحاد احزاب کمونیست - حزب کمونیست اتحاد شوروی - اتحاد احزاب مستقل کمونیست است که بر مبنای اصول مشترک برنامه ای و سازمانی، فعالیت می کنند.

ورود حزب کمونیست فدراسیون روسیه به اتحاد احزاب کمونیست - حزب کمونیست اتحاد شوروی - با عضویت دوگانه گامی است در راه وحدت نیروهای کمونیستی. مسئله عضویت کامل حزب کمونیست فدراسیون روسیه در اتحاد احزاب کمونیست - حزب کمونیست اتحاد شوروی - در کنفرانس حزب کمونیست فدراسیون روسیه که در آوریل ۱۹۹۴ برگزار می گردد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نام نویسی اعضا حزب کمونیست فدراسیون روسیه ناظر بر چگونگی تعیین تکلیف رفقای سایر احزاب کمونیست روسیه است و نه به مقصد تجزیه کمونیست ها، بلکه به منظور تشکیل هرچه سریع تر حزب واحد کمونیستی برپایه عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی.

شرکت کنندگان این دیدار همه گونه پشتیبانی از فراکسیون کمونیست ها در مجلس فدرال برای عملی ساختن پلاتفرم انتخاباتی حزب کمونیست فدراسیون روسیه در راستای دفاع از منافع زحمتکشان به عمل خواهند آورد، و کمونیست های روسیه را فرامی خوانند تا در تدارک انتخابات ارگان های حکومتی جمهوری ها، مناطق استان ها و ارگان های خودگردان، فعلاً شرکت کنند.

درباره اقدامات مشترک جهت رشد و تقویت مطبوعات کمونیستی و مترقی و بسیج سازمان های حزبی برای توزیع روزنامه های «پراودا»، «سائوتسکایا روسیا»، هفته نامه «گلاسنوست» و سایر نشریات کمونیستی، سوسیالیستی و میهن دوست، توافق به عمل آمد. برگزاری منظم ماهانه چنین دیدارهایی مفید ارزیابی گردید.

ا. شنین، صدر شورای اتحاد احزاب کمونیست - حزب کمونیست اتحاد شوروی
گ. زهوکانف، صدر کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه

در پارلمان روسیه

پارلمان روسیه (دوما) تصمیم گرفت رهبران «کودتای اوت ۱۹۹۱» و شورش اکتبر سال گذشته را مورد عفو قرار دهد.

قطعهنامه با ۲۵۲ رای موافق و ۶۷ رای مخالف و ۲۸ رای ممتنع به تصویب رسید. این قطعهنامه فوراً قابل اجرا می باشد.

نام روسلان خاسبولاتف، رئیس سابق پارلمان روسیه، آلكساندر روتسکوی، معاون سابق رئیس جمهور که متهم به رهبری حوادث اکتبر سال پیش بود و رئیس پارلمان سابق اتحاد شوروی، آناتولی لویکانوف که متهم به ارتباط با «کودتای اوت ۱۹۹۱» بود، در میان عفو شدگان می باشد. حزب لیبرال دموکرات روسیه مبتکر این قطعهنامه بود.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 422

Marz 1 , 1994

نامهء

مردم